

دستور زبان کردی سنجدی

دکتر محمد تقی ابراهیم پور

قیمت ۶۰ ریال

دستور زبان کردی سنڊھي

اسڪر شد

ڊڪٽر محمد تقی ابراهيم پور

دستور زبان نوشتن مشکل است ، آن چنان ، که زبان فارسی هنوز دارای دستور کامل و جامعی که مورد پسند همه باشد نیست .

ومن ، هیچ ادعائی ندارم ، آن چنانکه از همه آنهائی که ادعائی دارند یا ندارند و تالیفاتی دارند بدینوسیله دعوت میکنم که گردهم آیند و در این آغاز کار دستوری برای زبان کردی بنویسند که به معنای واقعی مورد استفاده باشم . میدانم دستورهای زیادی برای زبان کردی نوشته شده است ، اما گویشهای مختلف این زبان چنان از هم دور شده اند که اگر گردهم آیند لغتی و روشی عظیم فراهم میشود ، پس به این گردهمائی کمک کنیم .

این اولین دستور زبان کردی سنندجی است بسیار مختصر ، برای امروز که اختصارگوئی ضروریست . به امیدنوشتن دستوری جامع با همکاری همگان .

دکتر ابراهیم پور

دستور زبان کردی سنندجی

الفبا

حروف هجای زبان کردی سنندجی ۲۷ حرف اند به ترتیب زیر .

ء - ا - ب - پ - ت - ج - چ - ح - خ - د - ر - ز - ژ - س - ش - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی .

- برای اجرای درست و صحیح حروف و لغات ، مثالهاونمونه های ذکر شده در کتاب ، با الفبای لاتین نیز نوشته شده تا از این طریق مشکلی در خواندن و نوشتن آنها پدید نیاید .

برابری الفبای زبان سنندجی با حروف هجای لاتین بدین قرار است .

ä, a - b - p - t - j - ç - h - x - d - r - z - ž - s - š - , - 8 - f - q - k - g - l - m - n - w - h - i , y
- در زبان کردی سنندجی " همزهء اول " بصورت الف نوشته میشود .

" همزهء وسط " به " ی " مبدل میشود مانند (میس meyoş) یعنی مایوس و در صورت اجبار آنرا بصورت " الف " ادا میکنند . مانند (مامور mämür) یعنی مأمور .

" همزهء آخر " که بیشتر درواژه هائی که از عربی گرفته شده اند وجود دارد یا از تلفظ آن خود داری میشود یا آنرا بدل به " ی " میسازند یا به همان صورت اصلی ادا میکنند . مانند همزه در اصطلاح " سوء استفاده " که " سوء استفاده " و " سوی استفاده " و " سواستفاده " گفته میشود .
- وا که " ح " با تلفظ عربی آن از بیخ گلو ادا میشود . گرچه تمایل شدیدی بین جوانان وجود دارد که آنرا مانند تلفظ فارسی اجرا کنند .

- هیچگونه اختلافی در ادای واکه های " ز ، ط ، ض " وجود ندارد سایر این کاربرد حروف " ط ، ض " زائد میباشد . همچنین است اختلاف در " س ، ث ، ص " و کاربرد " ث ، ص " زائد است .
- واکه " ق " بصورت انفجار اجرا میشود .
- " ل " بدو صورت " ل " مانند آنچه در واژه " دل " در زبان فارسی وجود دارد و " ل " مانند " ض " عربی کهن .
- بقیه علائم عبارتند از .

الف - \bar{a} = ä

ب - فتحه = a

- پ - کسره = e . کسره در نوشته فارسی این کتاب دارای علامتی نیست بنابراین هر جا دو واکه بدون صدا ، بدون علامت به همدیگر متصل شوند با مکسور کردن واکه اولی خوانده میشوند .

- ت - کسره کشیده = e: . در نوشته فارسی ، این کسره با گذاشتن علامت کسره در زیر واکه مشخص میشود و در انتهای واژه با (ه) . مانند (شَر : r) (Še: r) یعنی شیرو (بِلِه : ba | e) یعنی بلی و آری .

ج - علامت پیش یا ضمه در کردی سندی بدو صورت وجود دارد :

پیش که با علامت (ٔ) نمایش داده میشود مانند ضمه (غ) در واژه " غلام " .

ضم یا پیش کشیده که در الفبای لاتین با (ö) نمایش داده میشود . مانند

(رُله Ro: |a) درنوشته کردی و فارسی علامت ضمه در هر دو حال با () نشان داده شده است.

چ - او = u مانند اوسوم شخص مفرد در زبان فارسی . مانند (محمو mahmu) یعنی محمود .

ح - برای احتراز از اشتباه بین (ey) و (ay) هر جا (ای) با صدای ندا مانند زبان فارسی آمده است آنرا (ای ay) نوشته ایم و هر جا در وسط کلمه صدای (ای) وبدون تلفظ همزه وجود داشته آنرا (ای ey) نوشته ایم . مثال :
(ای برا ay brā) . یعنی ای برادر .
(بی bey) یعنی به (میوه) .

خ - (او ow) اگر در وسط کلمه آمده و صدای همزه در ابتدای (o) شنیده نشود به صورت فوق نوشته میشود . مانند : (أحمو ahmow) و اگر صدای همزه آغاز (o) شنیده شود (او aw) نوشته شده . مانند : (او aw) یعنی او در اشاره به دور .

د - (ر r) نیز به دو صورت مقطع و غلطان اجرا میشود . مقطع را با (r) و غلطان را با (rr) نمایش داده ایم . (ر r) در آغاز واژه ها همیشه غلطان است بنابراین نیازی به دوبار نوشته آن دیده نشده است .

برابری الفبای زبان سنندجی با حروف هجای لاتین

a	ا
b	ب
p	پ
t	ت

j
č
h
x
d
r
z
y
z
s
š
,
8
f
q
k
g
l
m
n
w

ج
چ
ح
خ
د
ر
ز
ژ
س
ش
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و

h	ه-ه
i, y	ی

اسم

تعریف : اسم کلمه‌ایست که با آن شخص یا چیزی نامیده میشود .

انواع اسم عبارتند :

اسم عام - نامی است برای تمام اشیاء یا اشخاص همجنس مانند : (شمِشِر

semse:r) یعنی شمشیرو (اُسپ asp) یعنی اسب .

اسم خاص - نامی است برای یک چیز یا شخص معین مانند : (حَسَن hasan)

نام شخص و (سَقَز saqez) نام شهر .

اسم ذات - مدلول آن در خارج وجود دارد و قائم بذات است مانند : (کِتَبو

kete:w) یعنی کتاب و (شِر se:r) یعنی شیر .

اسم معنی - نامی است برای چیزی که وجودش در دیگریست و بدان قائم است

مانند : (هُش hös) یعنی هوش و (زانست zänest) . یعنی

دانش .

اسم جمع - اسمی است در ظاهر مفرد و در باطن جمع مانند : (هُز هöz) یعنی

طایفه و (لَشکَر laškar) . یعنی لشکر .

اسم بسیط - اسمی است که بیش از یک جزء نداشته باشد مانند : (جِل jel)

یعنی لباس .

اسم مرکب - اسمی است که بیش از یک جزء داشته باشد مانند : (قتاو خان

qetäwxän) یعنی مکتب خانه که از دو جزء " قتاو " و " خان "

تشکیل یافته است .

اسم مصغر - اسمی است که بر کوچکی چه در جهت رحمت و ناز و نوازش و چه در جهت تحقیر بکار رود و علامت آن غیر از (ک k) که از فارسی گرفته شده است (چہ ča) و (لہ la) و (لہ la) میباشد .

مردک	mardak	یعنی مردک
بازارچه	bāzārča	یعنی بازارچه
بوچکله	bučkala	یعنی کوچولو
براله	brāla	یعنی برادر کوچولو

در زبان کردی سندی از واکهء (ه ماقبل مفتوح h) نیز در ضمیر اشاره (این in) و (آن ān) جهت تصغیر استفاده میشود و چون این علامت تنها در این دو مورد به کار میرود لذا از آن بنا م یک علامت اصلی تصغیر نام برده نمیشود .

ام	am	امه	ama	یعنی این
او	aw	اوه	awa	یعنی آن

اسم زمان - اسم زمان آنست که بروقت وقوع کاری دلالت کند یا وقت و زمان را نشان دهد مانند : (شوگا šowgā) یعنی شب هنگام .

اسم مکان - اسم مکان آنست که بر محل وقوع کاری دلالت کند مانند : (گزرگا qozarqā) یعنی گذرگاه .

معرفه و نکره .

معرفه اسمی است که نزد مخاطب معلوم و آشنا باشد . علامت معرفه در کردی

سندی (که ka) است که به آخر اسم افزوده میشود . واژه‌هایی که به یک

حرف صدادار حتم میشوند فقط علامت (ka گه) دریافت کرده و در صورتیکه به یک واکه بی صدا ختم شوند قبل از علامت (ka گه) واکه بی صدا مفتوح می‌گردد مثال: (kete:w کیتو) یعنی کتاب که معرفه آن میشود (kete:waka کیتوکه) و معرفه (šamama شامامه) یعنی دست‌انیم میشود (šamamaka شامامکه) .
نکره اسمی است که نزد مخاطب ناشناس باشد مانند (piyāqe: پیایگه) یعنی یک مرد .

علامت نکره یا (e: ه ماقبل مکسور است) مانند (piyage: پیایگه) یعنی مردی یا (yak یک) مانند: (yak se:f یک سیف) یعنی یک سیب .

حالات اسم

- ۱- حالت فاعلی . در این حالت اسم کننده کار است مثال :
(ḥasan rwi حُسن روی) یعنی حسن رفت که حسن فاعل است
- ۲- حالت مفعولی . در این حالت فعل بر اسم جاری میگردد . مثال :
(ḥasan dāy la , ali حُسن دای گه علی) یعنی حسن علی رازد . در این حالت علی مفعول است .
- ۳- حالت اضافی . در این حالت اسمی بدنبال اسم دیگر و تکمیل کننده آنست مانند (krās bāram کراس بارام) یعنی پیراهن بهرام . در حالت اضافی ، دو اسم یا مضاف و مضاف الیه بدون تغییر همدیگر را تکمیل مینمایند .

۴- حالت ندا . علامت آن چهار است .

الف- (ای ay) مانند: (ای بَشْرُ ay bašar) یعنی ای بشر .

ب- (یا ya) مانند: (خدایا xodäyā) یعنی خدایا .

پ- (ه ماقبل مفتوح h) مانند: (کَرَّکَه korraka) یعنی

پسره .

ت- وگاهی هیچ علامتی وجود ندارد مانند: (کُرْم دَس هَلْ گَرَه korrem

das ha|gra) یعنی پسر دم دست بردار . در این حالت بدون کار برد

هیچ علامتی (کُر korr) یعنی پسر خوانده شده است . بنابراین ندا

حالتی است که به اسم برای خواندن کسی داده میشود .

مفرد و جمع

مفرد- مفرد کلمه ایست که بر فرد دلالت کند مانند: (اَسپ asp) یعنی اسب

و (مِز me:z) یعنی میز .

جمع- جمع کلمه ایست که بر دو یا بیشتر دلالت کند . علامت جمع در گویش

سندجی :

- یا (ان äñ) است مانند (کُساران Ko:sārān) یعنی کوهساران .

- یا (گُل ga) مانند (ژن گُل žengal) یعنی زنها و (پییاگ گُل

piyäg gal) یعنی مردان .

- یا (کان kän) مانند: (گُچککان kočkakän) یعنی سنگها .

علامت (ان äñ) در کردی سندجی به ندرت بکار برده میشود .

علامت (گُل gal) برای انسان به تنهایی و برای سایر موجودات در

جمله به کار برده میشود. مثلا میگویند (ژن گُل zengal) یعنی زنها.
در این حالت (ژن zen) بدون قرار گرفتن در جمله با (گُل gal) جمع بسته شده است. اما نمیگویند (دار گُل dargal) یعنی درختها بلکه (دار dar) را یا با (کان kan) جمع می بندند یا (گُل gal) را دنبال (دار dar) در جمله قرار میدهند. (باخه که دار گُل پیری بو baxaka dargal piri bu) یعنی باغی که درختهای پیر داشت.

(کان kan) از علامت معرفه (که ka) و (ان an) ترکیب یافته است یعنی در حقیقت ابتدا اسم را معرفه کرده سپس آنرا جمع می بندند. مانند (براکان brakan) یعنی برادران. البته همانطور که واژه های مختوم به واکه بی صدا در حال معرفه شدن دارای علامت فتحه روی واکه بی صدا میشدند در اینجا نیز همین قاعده مجری خواهد بود. مانند (دار dar) یعنی درخت که جمع آن میشود (دارکان darakan).

صفت

- صفت کلمه ایست که حالت و چگونگی اسمی را بیان کند مانند. (چاخ cax) یعنی چاق و (زرد zard) یعنی زرد. صفت چندگونه است:
- ۱- صفت مطلق - صفت در صورتیکه فقط حالت اسم را بیان کند صفت مطلق خوانده میشود مانند: (درژ dre:z) یعنی درار.
 - ۲- صفت فاعلی - در صورتیکه صفت بر کننده کاری به طور مستمر و عادت دلالت کند صفت فاعلی است و علائم آن بقرار زیر است:

کتابخانه امام مهدی (عج)

شماره ثبت . ۷۰۸۹ .

تاریخ ۴۰/۴/۶۶

- ۱۰ -

الف - (نُه na) مانند (برنه bārana) یعنی برنده

ب - (ا ā) مانند (ژنوا zēnawā) یعنی شنوا .

پ - (گار gār) مانند (پروردگار parwardegār) یعنی پروردگار .

ت - (ار ar) مانند (خریدار xaridār) یعنی خریدار .

ج - (دار dār) مانند (طرفدار tarafdār) یعنی طرفدار .

۳ - صفت مفعولی - بر کسی یا چیزی که فعل بر آن واقع شده است دلالت دارد و نشانه

آن (یاک yāg) است مانند (کژیاک kozyāg) یعنی کشته و

(برژیاک berzyāg) یعنی بو داده و برشته .

۴ - صفت نسبی - صفتی است که کسی یا چیزی را به جایی نسبت دهد و نشانه های

آن عبارتند از :

الف - (ی ī) که در آخر اسم می آید مانند (شیرازی širazi) و

(سقزی saqzi) .

ب - (ه ماقبل مفتوح h) مانند (چله čela) و (هزاره hazara) .

(hazara) چهل و هزاره (بهاره bahara) یعنی بهاره .

۵ - صفت مشبیه - صفتی است فاعلی که بر وصف ثابت ، کننده کاری دلالت

کند مانند (زانا zānā) یعنی دانا و (توانا tawānā) یعنی

توانا .

۶ - صفت تفصیلی . در کردی سندجی علامت صفت تفصیلی فقط (تر ter)

است که اگر به آخر اسم افزوده شود برتری یا فزونی آنرا بر دیگری "نه دیگران"

نشان میدهد . مانند (گوزه تر gowrater) یعنی بزرگتر و (بوچکتر

bučekter (یعنی کوچکتر . در صورتیکه بخواهند یکی را بر همه ممتاز و برتر کنند با اضافه کردن یک اسم جمع که معمولاً (گشت gešt) یعنی همماست صفت تفضیلی عالی درست میکنند . مانند (که گشت کوزه تر la gešt gowrater) یعنی از همه بزرگتر و (که جمع کوچکتر la Jam , bučekter) یعنی از جمع کوچکتر یا کوچکترین .
اخیراً پسوند (ترین terin) نیز به کار برده میشود که نتیجه نفوذ زبان فارسی است و در اصل وجود نداشته است .

مصدر

مصدر کلمه ایست که بر انجام کار بدون در نظر گرفتن زمان دلالت کند .
علامت مصدر - علامتهای مصدر در کردی سنندجی بشرح زیر میباشد:

الف - (ن ماقبل مکسور en) مانند (فرتن froten) یعنی فروختن .
(کشتن kōsten) یعنی کشتن . (بردن berden) یعنی بردن .

ب - (ین in) مانند . (کنین kanin) یعنی خندیدن . (رقصین raqsin) یعنی رقصیدن .

پ - (یان yān) مانند . (گریان garryān) یعنی گردیدن و گردش کردن و جستجو کردن .

ت - (ان ān) مانند (کشان ke : sān) یعنی کشیدن . اینگونه مصدرها در اصل با (ن ماقبل مکسور en) پایان میگیرند و در صرف نیز مانند افعال

مختوم به (ن ماقبل مکسور en) صرف میشوند . درحقیقت (رکشان ke:šän دراصل (کشان Ke:šänen) است و برای خلاصه کردن از (ن ماقبل مکسور en) صرف نظر شده است . بنابراین میتوان گفت که اینگونه مصدرها جعلی هستند .

ج - (ن n) در فعلی مانند (چون čun) یعنی رفتن و (بون bun) یعنی بودن و شدن و داشتن . تعداد اینگونه مصدرها محدود میباشد .
مصدرهای سماعی مانند . (کفر kefer) یعنی کفر و (خروج xoruj) یعنی خروج و قیاسی مانند : (انحراف enheräf) یعنی انحراف و غیره از عربی گرفته شده و وسیله مردم متظاهر به سواد به کار برده میشوند .
گونه های مصدر .

۱ - مصدر ساده مانند . (چون čun) یعنی رفتن . (کنین kanin) یعنی خندیدن .

۲ - مصدر مرکب - اینگونه مصدرها در زبان کردی سنندجی بدو صورت بکار برده میشوند .

الف - مصدر مرکبی که در همه احوال باید مرکب بوده و از آن همیشه یک معنی مستفاد شود مانند (قسه کردن qesa kerden) یعنی صحبت کردن .

ب - مصدر مرکبی که با اضافه کردن جزء دوم تغییر معنی میدهد مانند : (کرد نوه kerdnawa) یعنی باز کردن که از مصدر (کردن kerdn) (نوه گریانوه garryänawa) تشکیل یافته است . و (گریانوه

یعنی مراجعت کردن که از مصدر (گریان garryän) یعنی گشتن و (وُه wa) ترکیب یافته است .

(وُه wa) به تنهایی میتواند علامت مصدر باشد اما چون در صرف افعال خود به تنهایی بدون تغییر مانده و صرف فعل تابع علامت اصلی مصدر میشود لذا بنام یک جزء ترکیبی که فقط معنی فعل را تغییر میدهد از آن نام برده شد .

۳ - مصدر معین - (گرگ بون garak bun) یعنی خواستن مصدر مرکبی است از (بون bun) یعنی بودن و (گرگ garak) که به تنهایی معنی نمیدهد . اما این مصدر معین در بعضی زمانهای صرف فعل شرکت نمی کند مانند (گرگمه garakma) یعنی میخواهم و در پاره‌های زمان ها با جبار حضور دارد مانند (گرگم بو garakem bu) یعنی میخواستم .

اسم مصدر

کلماتی که علامت مصدری ندارند ولی معنای مصدر را میرسانند اسم مصدر خوانده میشوند که گونه‌های آن به شرح زیر است :

الف - اسم مصدر پایان یافته به (س s) مانند: (زانس zānes) یعنی دانش .

ب - اسم مصدر پایان یافته به (ش š) مانند: (کُش köš) یعنی کوشش .

پ - اسم مصدر پایان یافته به (ه a) مانند: (نالَه nä|a) یعنی ناله .

ت - اسم مصدر پایان یافته به (ی i) مانند: (دُسی dösi) یعنی

دوستی .

ج - اسم مصدر پایان یافته به (ار är) مانند: (کردار kerdär) یعنی کردار .

ج - اسم مصدرهایی که به (مان män) یا (ان än) ختم میشوند مانند: (ساختمان saxtemän) یعنی ساختمان و (چراخان čeraxän) یعنی چراغان .

ج - اسم مصدرهایی که به (یتی yati) ختم میشوند مانند: (برایتی bräyati) یعنی برادری .

فعل

فعل کلمه ایست که بر وقوع کاری در زمان معینی دلالت کند . زمان انجام فعل در زبان کردی یا گذشته است یا حال یا آینده و چون در زبان کردی سنجی مذکرو مؤنث و تثنیه وجود ندارد بنابراین صرف فعل در شش صیغه اول شخص مفرد (متکلم) ، دوم شخص مفرد (مخاطب) ، سوم شخص مفرد (غائب) و همچنین اول شخص و دوم شخص و سوم شخص جمع محدود میگردد .

فعل لازم - فعل لازم آنست که به مفعول احتیاج نداشته باشد مانند: (هاتن häten) یعنی آمدن و (کفتن katen) یعنی افتادن .

فعل متعدی - فعلی است که به مفعول نیازمند میباشد مانند (لردان le:dän) یعنی زدن و (کشتن kōšten) یعنی کشتن .

مثبت و منفی - اگر فعل بر وقوع کاری به طریق اثبات دلالت کند مثبت است مانند: (خواردم xwärdem) یعنی خوردم و (شردی šördi) یعنی

شست . و اگر فعل به وقوع کاری به طریق نفی دلالت کند منفی است مانند :

(ناخوم nāxwam) یعنی نمیخورم و (ناخفه : nākāfe)

یعنی نمیخواهد .

فعل امر - دستور به انجام دادن یا نکردن کاریست مانند ؛ (بخفه bexafa)

یعنی بخواب و (مُخَفُّه maxafa) یعنی نخواب .

توجه :

موضوع بسیار قابل توجه در صرف افعال کردی موضوع کار برد و در جای

صحیح قرار دادن ضمیر است . شاید ذکر این نکته در ابتدا چندان مهم نبوده حتی

مایهء تعجب میگرد اما با ذکر مثال و تشریح اضافی و مجدد موضوع روشن خواهد شد .

در زبان فارسی وقتی شخصی میگوید " من گرفتم " یا " گرفتم " یا " آنرا گرفتم "

یا " علی را گرفتم " عملی در زمان گذشته انجام میشود بدون اینکه در شکل و ظاهر فعل

تغییری حاصل آمده باشد زیرا گرفتم در همه احوال شکل خود را حفظ کرده است . در

زبانهای فرانسه و انگلیسی نیز چنین است اما در زبان کردی موضوع فرق میکند و

شکل فعل با پسوند متغییر آن تغییر می یابد . مثلا " اگر شخصی بگوید (من

گرتم men gertem) یعنی من گرفتم یا (گرتم gertem) یعنی

گرفتم دقیقا " گرفتن چیز معینی را در زمان گذشته بیان کرده است حال اگر از آن

چیز نام برده شده باشد شکل و ظاهر فعل فرق خواهد کرد مثلا اگر بگوید علی را

گرفتم میگوید (علیم گرت alim gert ,) در اینجا اول ضمیر فاعلی بدنبال

مفعول آمده ثانیا فعل دارای شکل حقیقی خود که اتفاقا به تنهایی و مجرد بکار نمی رود

شده است . این موضوع در محلهای مناسب دیگر ذکر خواهد شد .

ماضی مطلق :

ماضی مطلق دلالت دارد بر انجام کاری در زمان گذشته .

در تقسیم بندی افعال برای صرف در زمان ماضی مطلق دو عامل موثر است :

الف - علامت مصدری :

ب - لازم یا متعدی بودن فعل :

۱ - افعالی که به (ن ماقبل مکسور en) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول نیازمند

باشند به ترتیب در اول شخص مفرد پسوند (m م) ، دوم شخص مفرد

(ت +) سوم شخص مفرد (ی ا) .

اول شخص جمع (مان män) ، دوم شخص جمع (تان täñ) و سوم شخص

جمع (یان yän) میگیرند . مانند (گرتن gerten) یعنی گرفتن .

من گرتم men gertem یعنی : من گرفتم

تو گرتت tö gertet توگرفتی

او گرتی aw gerti اوگرفت

ما گرتیم e:ma gertmän ماگرفتیم

شما گرتتان e:wa gerttän شماگرفتید

آنها گرتیان awän gertyän آنهاگرفتند

فعل لازم که به مفعول نیازمند نمیباشد مانند (گفتن kaffen) یعنی

افتادن و زمین خوردن و (نیشن nisten) یعنی مسکون شدن و نشستن در

زمان ماضی مطلق در اول شخص مفرد (m م) ، دوم شخص (یت it) ، سوم

شخص مفرد پسوند نمیگیرد . اول شخص جمع (ین in) دوم شخص و سوم شخص

جمع (ن n) . مثال : (کُفتن kaften) یعنی افتادن وزمین خوردن .			
من	men	kaftem	کُفتم
تو	tö	kaftit	کُفتی - ت
او	aw	kaft	کُفت
ما	e:ma	kaftin	کُفتین
شما	e:wa	kaften	کُفتن
آنها	awän	kaften	کُفتن

شکل ظاهری دوم و سوم شخص جمع در اینگونه افعال شبیه مصدر میباشند اما با تکیه روی واکه (ت +) در تلفظ و اجرا تمایز گذاشته میشود .

۲- افعالی که در حالت مصدری به (ین n) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول نیازمند نباشند در شخص اول مفرد (م m) و دوم شخص مفرد (ت +) و به شخص سوم حرفی اضافه نمیشود و سه شخص جمع به شکل مصدری باقی میمانند . یا باید گفت که بهریشه لایتغیر فعل (ن n) اضافه میشود . مانند فعل (کنین kanin) یعنی خندیدن ، (وَرین warrin) یعنی عووکردن و (گنین ganin) یعنی گندیدن .

من	men	kanim	کُنیم
تو	tö	kanit	کُنیت
او	aw	kanin	کُنی
ما	e:ma	kanin	کُنین
شما	e:wa	kanin	کُنین
آنها	awän	kanin	کُنین

با اضافه کردن (na) به اول فعل حالت منفی بدست می آید .

من نخندیدم	men	nakanim	من نُنکیم
شما نخندیدید	e:wa	nakanin	راوه نُنکین

و در صورتیکه به مفعول نیازمند باشد در سه شخص مفرد مانند فعل لازم و در سه

شخص جمع به ترتیب (مان mān) ، (تان tān) و (یان yān) میگیرد

مانند: (نوسین nusin) یعنی نوشتن .

من نوشتم	men	nusim	من نوسیم
تو نوشتی	tö	nusit	تو نوسیت
او نوشت	aw	nusi	او نوسی
ما نوشتیم	e:ma	nusimän	راوه نوسیمان
شما نوشتید	e:wa	nusitän	راوه نوسیتان
آنها نوشتند	awän	nusiyän	آوان نوسیان

حالت منفی اینگونه افعال بصورت زیر است :

من ننوشتم	men	namnusi	من نمنوسی
تو ننوشتی	tö	natnusi	تو ننتنوسی یا نونوسی
او ننوشت	aw	neynusi	او نی نوسی
ما ننوشتیم	e:ma	namännusi	راوه نمان نوسی
شما ننوشتید	e:wa	natännusi	راوه نتان نوسی
آنها ننوشتند	awän	neyännusi	آوان نیان نوسی

۳- افعالی که به (ان ään) ختم میشوند چون همیشه در حالت متعدی هستند

بنابراین در زمان گذشته ساده فقط به یک صورت صرف میشوند و پسوندهائی به شرح زیر میگیرند: اول شخص مفرد (m م) ، دوم شخص مفرد (ت +) ، سوم شخص مفرد (ی تخفیف یافته y) . اول شخص جمع (مان mǎn) دوم شخص جمع (تان tān) و سوم شخص جمع (یان yān) . مانند: (کشان ke:šǎn) بمعنای کشیدن .

من	کشام	ke:šǎm	men	من کشیدم
تو	رکشات	ke:šǎt	+ò	تو کشیدی
او	رکشای	ke:šǎy	aw	او کشید
ما	رکشان	ke:šǎmǎn	e:ma	ما کشیدیم
شما	رکشاتان	ke:šǎtǎn	e:wa	شما کشیدید
آنها	رکشایان	ke:šǎyǎn	ǎwǎn	آنها کشیدند

حالت منفی فعل دقیقاً "مانند" (نوسین nusin) یعنی نوشتن است .

۴ - افعالی که به (یان yǎn) ختم میشوند مانند (گریان garryǎn) یعنی

گردیدن و جستجو کردن و گردش کردن و (سوتیان sutyǎn) یعنی

سوختن و غیره به شرح زیر پسوند گرفته و صرف میشوند: اول شخص مفرد پسوند

(mǎ) ، دوم شخص مفرد پسوند (یت it) ، سوم شخص مفرد پسوند

نمیگیرد . اول شخص جمع (ین in) ، دوم و سوم شخص جمع (ن n) .

مانند (گریان garryǎn)

من	گریام	garryǎm	men	من گردیدم
تو	گریایت	garryǎyt	+ò	تو گردیدی

اوگرديد	aw	garryä	اَو گُريا
ماگرديديم	e:ma	garryäyn	رَامَه گُريا يِن
شماگرديديد	e:wa	garryän	رَاوَه گُريا ن
آنهاگرديدند	awän	garryän	اَوَان گُريا ن

منفی - با اضافه کردن یک (نُ na) به اول فعل (بعد از ضمیر) ، فعل به حالت منفی درمی آید . مانند . (من نگرِيام men nagarryäm) یعنی من نگرديديم و (اَوَان نگرِيان awan nagarryän) یعنی آنها نگرديدند .

۵- افعالی که در حالت مصدری به (ن n) ختم میشوند . چنانکه گفته شد تعداد این افعال زیاد نبوده و انگشت شمار است . مانند . (چون čun) یعنی رفتن و (بون bun) یعنی بودن و شدن و داشتن . این افعال در شخص اول و دوم و سوم و پنجم و ششم مانند فعلهای مختوم به (ين in) پسوند قبول مینمایند و فقط در اول شخص جمع به جای (ن n) (ين in) دریافت میکنند .

يعنی رفتن		(čun)	چون
من رفتم	men	čum	من چوم
تو رفتی	tö	čuit	تو چویت
او رفت	aw	ču	او چو
ما رفتيم	e:ma	čuin	رَامَه چوین
شما رفتيد	a:wa	čun	رَاوَه چون
آنها رفتند	awän	čun	اَوَان چون

منفی - با اضافه کردن (نا na) به ابتدای حالت فعل حالت منفی ساخته میشود
مانند (تونچویت načuit +ö) یعنی تونرفتی .

ماضی نقلی :

ماضی نقلی دلالت دارد بر انجام کاری در زمان گذشته که اثر آن هنوز باقی باشد یا
انجام آن کار هنوز ادامه داشته باشد .

در صرف افعال در زمان ماضی نقلی علائم مصدری نقشی ندارند و فقط لازم یا
متعدی بودن فعل پسوندها را در صرف افعال تعیین مینماید .

الف - در صورتیکه فعل به مفعول نیازمند نباشد به ترتیب (گم gem) و (گی
gi) و (گا gä) و (گین gin) و (گن gen) و (گن gen) در
شش شخصیت فعل میگیرند .

مثال : (خفتن)	xaften	(یعنی خفتن .
من خفتگم	men xaftegem	من خوابیده ام
تو خفتگی	tö xaftegi	تو خوابیده ای
او خفتگه	aw xaftega	او خوابیده است
را مه خفتگین	e:ma xaftegin	ما خوابیده ایم
را وه خفتگن	e:wa xaftegen	شما خوابیده اید
اوان خفتگن	awän xaftegen	ایشان خوابیده اند

منفی - با اضافه کردن (نامفتوح na) با اول فعل منفی میشود . مانند (اوه نخفتگن
(e:wa naxaftegen) یعنی شما نخوابیده اید .

ب - اگر فعل به مفعول نیازمند باشد در شخص اول و دوم و سوم مفرد (گمه gma) و

(گته gta) و (گیه gya) و درشخص اول و دوم و سوم جمع (گمانه gmana)
 و (گتانه gtana) و (گیانه gyana) افزوده میشود.
 مانند (دزین dezin) یعنی دزدیدن.

من دزدیده ام	men	dezigma	من دزیکمه
تو دزدیده ای	tō	dezigta	تو دزیکته
او دزدیده است	aw	dezigya	او دزیکیه
ما دزدیده ایم	e:ma	dezigmäna	ما دزیکمانه
شما دزدیده اید	e:wa	dezigtäna	شما دزیکتانه
آنها دزدیده اند	awän	dezigyänä	آنها دزیکیانه

منفی - حالت منفی مانند سایر افعال متعدی چنین است.

من ندزدیده ام	men	namdeziga	من نمدزیکه
تو ندزدیده ای	tō	natdeziga	تو نتدزیکه
او ندزدیده است	aw	neydeziga	او نپدزیکه
ما ندزدیده ایم	e:ma	namändeziga	ما نماندزیکه
شما ندزدیده اید	e:wa	natändeziga	شما نتان دزیکه
آنها ندزدیده اند	awän	neyändeziga	آنها نپان دزیکه

کردزبانان سنندجی توجه دارند که (من دزیکمه men dezigma) یعنی
 من آن چیز مشخص و معین را دزدیده ام و این غیر از "من دزدیده ام" در زبان
 فارسی است. یعنی درحقیقت (م m) که بین (گ، ا، g) قرار دارد جای
 نام چیز دزدیده شده را گرفته است و چون غیر از این حال ممکن نیست یعنی هرگز

گفته نمیشود (من دزیگه men deziga) لذابه صورت ذکرشده اجرا و نوشته میشود. مثال: (من او پرتقالمه دزیگه men aw pertaqä|ma deziga) یعنی من آن پرتقال را دزدیده‌ام. در اینجا چون شیئی مورد دزدی وجود دارد فعل به صورت درست و اصلی ادا میشود اما اگر پرتقال یا چیز دزدیده شده موجود نباشد بهمان صورت اولی ادا میگردد.

ماضی استمراری:

ماضی استمراری دلالت دارد بر انجام کاری در زمان گذشته برسبیل عادت و استمرار.

۱- فعلهای متعدی با هرگونه نشانه مصدری با اضافه کردن پیشوندهای (am) (بشخص اول مفرد و (at) به دومین شخص و (ay) به سومین شخص و (amän) (بشخص اول جمع و (atän) (به شخص دوم و (aian) (ayän) به شخص سوم جمع درست میشوند. مانند: (sanden

یعنی خریدن.

من میخریدم	men	amsand	من اَمَسند
تو میخریدی	tö	atsand	تو اَتَسند
او میخرید	aw	dysand	او اِپَسند
ما میخریدیم	e:ma	amänsand	ما اَمَانَسند
شما میخریدید	e:wa	atänsand	شما اَتَانَسند
آنها میخریدند	awän	ayänsand	آنها اِیَانَسند
			یا (نیان niyän) یعنی کاشتن.
من میکاشتم	men	amniyä	من اَم نیا

تو میکاشتی	tö	atniyā	تو اُت نیا
او میکاشت	aw	ayniyā	اُو اُی نیا
ما میکاشتیم	e:ma	amānniyā	رَامَه اُمان نیا
شما میکاشتید	e:wa	atānniyā	رَاوَه اُتان نیا
آنها میکاشتند	awān	ayānniyā	اُوآن اُیان نیا

منفی- با اضافه کردن علامت نفی (نُ na) به اول پیشوند و مفتوح کردن آخرین حرف پیشوند فعل منفی ساخته میشود . مانند (اُو نِیْسند nd neyasa dw) یعنی او نمیخردیدو (رَاوَه نُتانه سَند e:wa natānasand) یعنی شما نمیخردید .

۲- فعل لازم ، در صورتیکه در حالت مصدری به (ین in) ختم شده باشد در زمان ماضی استمراری پیشوند (اُ a) در مفرد و جمع و به ترتیب پسوندهای زیر دریافت میدارید . اول شخص مفرد (m م) ، دوم شخص مفرد (ت +) و سوم شخص مفرد به ریشه فعل (قسمت بدون تغییر) حرفی در انتها اضافه نمیگردد . سه صیغه جمع پس از اضافه کردن پیشوند به همان صورت مصدری نوشته میشوند مانند: (گنین ganin) یعنی گندیدن .

من میگندیدم	men	aganim	مَن اُگنیم
تو میگندیدی	tö	aganit	تُو اُگنیت
او میگندید	aw	agani	اُو اُگنی
ما می گندیدیم	e:ma	aganin	رَامَه اُگنین
شما می گندیدید	e:wa	aganin	رَاوَه اُگنین
آنها میگندیدند	awān	aganin	اُوآن اُگنین

منفی - با اضافه کردن (نا nā) یا (نا na) فعل به حالت منفی در می آید .
مانند (تو ناگنیت tō nāganit) یعنی تو نمی گندی و (من نا اگنیم
men naaganim) یعنی من نمی گندیم .

فعل لازم در صورتیکه به (ن ماقبل مکسور en) ختم شده باشد مانند سایر
افعال برای تبدیل به زمان ماضی استمراری پیشوند (ا a) به آن اضافه شده و
پسوندهای (م ماقبل مکسور em) به اول شخص مفرد و (ی i) به دوم شخص مفرد
و (ین in) به اول شخص جمع و (ن ماقبل مکسور en) به شخص دوم و سوم جمع
اضافه میگردد .

مثال : (خفتن xaften) یعنی خوابیدن .

من می خوابیدم	men	axaftem	من اُخفتم
تو می خوابیدی	tō	axafti	تو اُخفتی
او می خوابید	aw	axaft	او اُخفت
ما می خوابیدیم	e:ma	axaftin	ما اُخفتین
شما می خوابیدید	e:wa	axaften	شما اُخفتن
آنها می خوابیدند	awän	axaften	آنها اُخفتن

منفی - با اضافه کردن (نا na) به اول هر یک از صیغه های فعل میتوان آنرا بصورت
منفی در آورد . مانند (ما ناخفتین e:ma näxaftin) یعنی ما
نمی خوابیدیم .

در صورتیکه فعل در حالت مصدری به (یان yän) ختم شود (م m) و (یت it)
به شخص اول و دوم مفرد و (ین in) به شخص اول جمع و (ن n) بدو شخص

دیگر جمع به صورت پسوند اضافه می‌گردد درحالی‌که فعل در هر شش صیغه قبلا (اُ) به صورت پیشوند دریافت داشته است . مانند (گریان garryän) یعنی گردیدن و گردش کردن و جستجو کردن .

من می‌گردیدم	men	agarryäm	من اُگریام
تو می‌گردیدی	tö	agarryäyt	تو اُگریایت
او می‌گردید	aw	agarryä	او اُگریا
ما می‌گردیدیم	e:ma	agarryäyn	ما اُگریاین
شما می‌گردیدید	e:wa	agarryän	شما اُگریان
آنها می‌گردیدند	awän	agarryän	آنها اُگریان

- مصدر (چون cun) یعنی رفتن مانند افعال لازم مختوم به (ین in) به حالت ماضی استمراری درمی آید .

- مصدر (بون bun) یعنی بودن و شدن و داشتن در ماضی ساده و استمراری بصورت مشابه صرف می‌شود و هر دو حالت شبیه (چون cun) در زمان ماضی ساده است
مثال :

(من دو که ساعت هفت لینا بوم^{bum} at haft leyne, men dwe:ka sä) یعنی من دیشب ساعت هفت آنجا بودم (ماضی مطلق) .

(من یکسالی بود که سه ساعته هفت لینا بوم men yak säle: bu ke: ge: sawe: sa, at haft leyne bum) یعنی من یکسالی بود که هر شب ساعت هفت آنجا بودم (می بودم ، ماضی استمراری) ، (بوم bum) یعنی بودم در هر دو حالت ماضی مشابه است .

- فعلهائی که در حالت مصدری به (ن ماقبل مکسور en) ختم می شوند چون باستانی (dän) به معنی دادن ، بقیدارای (ن ماقبل مکسور en) هم در انتهای مصدر میاسد و برای اختصار از آن صرف نظر شده و فقط تا (ن ماقبل مکسور en) خوانده و نوشته میشود لذا مانند افعال مختوم به (ن ماقبل مکسور en) صرف میشوند. مانند : (کشان ke:šän) که در حقیقت (کشان ke:šänen) بوده است یعنی کشیدن .

فعل (دان dän) یعنی دادن مانند (نیان niyän) یعنی کاشتن که قبلاً درباره آن گفته شده است صرف میشود .

ماضی بعید :

ماضی بعید - اگر زمان وقوع حادثه ای در گذشته دور باشد دلالت بر ماضی بعید میکند .

۱- فعلهائی که در حالت مصدری به (ن ماقبل مکسور en) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول نیازمند باشند به ترتیب در شخص اول و دوم و سوم مفرد (وم um) و (وت ut) و (وی wi) و شخص اول و دوم و سوم جمع (ومان umän) و (وتان utän) و (ویان uyän) به صورت پسوند دریافت میدارند مانند (فرتن froten) یعنی فروختن .

من فرتوم	men	frotum	من فروخته بودم
تو فرتوت	tö	frotut	تو فروخته بودی
او فرتوی	aw	frotwi	او فروخته بود
ما فرتومان	e:ma	frotumän	ما فروخته بودیم

شما فروخته بودید	e:wa	frotutän	راوه فرتوتان
آنها فروخته بودند	awän	frotuyän	راوان فرتویان
منفی - مانند تمام افعال متعدی با اضافه کردن پیشوندهای (نم nam) و (نت nat) و (نی ney) به سه شخص مفرد و (نمان namän) و (نتان natän) و (نیان neyan) به سه شخص جمع درست میشود.			
من نفروخته بودم	men	namfrotu	من کُفرتو
تو نفروخته بودی	tö	natfrotu	تو نُتفرتو
او نفروخته بود	aw	neyfrotu	او نی فرتو
ما نفروخته بودیم	e:ma	namänfrotu	ماهُ نمان فرتو
شما نفروخته بودید	e:wa	natänfrotu	راوه نتان فرتو
آنها نفروخته بودند	awän	neyänfrotu	راوان نیان فرتو
- افعال لازم مانند (خفتن xaften) یعنی خوابیدن به صورت زیر صرف میشوند:			
من خوابیده بودم	men	xaftum	من خُفتوم
تو خوابیده بودی	tö	xaftwi	تو خُفتوی
او خوابیده بود	aw	xaftu	او خُفتو
ما خوابیده بودیم	e:ma	xaftwin	ماهُ خُفتوین
شما خوابیده بودید	e:wa	xaftun	راوه خُفتون
آنها خوابیده بودند	awän	xaftun	راوان خُفتون
به ترتیب فوق (وم um) و (وی wi) با اول شخص و دوم شخص مفرد و (و u) به			

سوم شخص و (وین win) به اول شخص جمع و (ون wen) به دومین و سومین شخص جمع اضافه می‌گردد.

۲- فعلهائی که به (ین in) ختم میشوند در صورتیکه به مفعول احتیاج نداشته باشند به ترتیب (وم wem) ، (ویت wit) ، (و w) و (وین win) (ون wen) ، (ون wen) بصورت پسوند قبول میکنند . مانند (کنین kanin) یعنی خندیدن .

من خندیده بودم	men	kaniwem	من کُنیوم
تو خندیده بودی	tö	kaniwit	تو کُنیویت
او خندیده بود	aw	kaniw	اُو کُنیو
ما خندیده بودیم	e:ma	kaniwin	رَامَه کُنیوین
شما خندیده بودید	e:wa	kaniwen	رَاوَه کُنیون
آنها خندیده بودند	awän	kaniwen	اَوَان کُنیون

و اگر فعل متعدی باشد به ترتیب از اول شخص مفرد تا آخرین شخص جمع (وم wem) (وت wet) ، (وی wi) و (ومان wman) ، (وتان wtän) ، (ویان wet) به صورت پسوند دریافت میدارند . مانند (شناسین šenäsın) یعنی شناختن .

من شناخته بودم	men	šenasiwem	من شناسیوم
تو شناخته بودی	tö	šenasiwet	تو شناسیوت
او شناخته بود	aw	šenasiwi	اُو شناسیوی
ما شناخته بودیم	e:ma	šenäsiwmän	رَامَه شناسیومان

راوه شناسیوتان e:wa šenäsıwtän شما شناخته بودید
 آوان شناسیویان awan šenäsıwyän آنها شناخته بودند
 - فعلهایی که در حالت مصدری به (یان yän) یا (ن n) ختم میشوند مانند
 فعلهای لازم که در حالت مصدری به (ین in) تمام شده اند و فعلهای ختم شده به
 (آن äñ) مانند فعلهای متعدی که در حالت مصدری به (ین in) تمام شده اند
 به صورت ماضی بعید درمی آیند .

مضارع اخباری .

مضارع اخباری دلالت دارد بر وقوع حادثه ای در زمان حال یا آینده .
 علامت مضارع اخباری (اُ a) است که به آغاز فعل افزوده میشود و پسوندهایی به
 شرح زیر در انتهای فعل . شخص اول مفرد (م ماقبل مکسور em) ، شخص دوم (یت
 it) ، شخص سوم مفرد (ه e) و شخص اول جمع (ین in) ، شخص دوم
 و سوم جمع (ن ماقبل مکسور en) . مثال : (کُنین kanin) یعنی خندیدن .

من میخندم	men	akanem	مَنْ اُکْنَم
تو میخندی	tö	akanit	تَو اُکْنِیت
او میخندد	aw	akane:	اَو اُکْنِه
ما میخندیم	e:ma	akanin	اُمَه اُکْنِین
شما میخندید	e:wa	akanen	اَوَه اُکْنِن
آنها میخندند	awän	akanen	اَوَان اُکْنِن

امادر قالب فوق تغییرات چنان زیاد است که هر یک از فعلها جداگانه باید مورد
 بررسی ودقت قرار گیرد شاید که قاعده ای بدست آید . این تغییرات اغلب در ریشم

فعل نیز هست و روی یک واکهء ویژه نیست که بتوان آنرا زیر یک قاعده درآورد. در اینجا تعدادی از این افعال بعنوان نمونه و مثال آورده میشود.

(بون bun) یعنی بودن ، داشتن ، شدن .

من هستم	men	ham	من هَم (هام)
تو هستی	tö	hey t	تو هیت
او هست	aw	has	اَو هَس
ما هستیم	e:ma	heyn	ما هین
شما هستید	e:wa	han	شما هَن
آنها هستند	awän	han	اَوان هَن

(دان dän) یعنی دادن .

این فعل دراصل (دادن dädän) است که (د d) دوم آن بیخ حلقی و به صورت یک الف کشیده اجرا میشود .

من میدهم	men	adäm	من آم
تو میدهی	tö	adeyt	تو ایت
او میدهد	aw	adät	اَو ات
ما میدهیم	e:ma	ädëyn	ما آیین
شما میدهید	e:wa	ädän	شما آن
آنها میدهند	awän	ädän	اَوان آن

(کردن kerdën) یعنی کردن

من میکنم	men	akam	من اکَم
----------	-----	------	---------

تو میکنی	tö	akey	تو اکی
او میکند	aw	akä - t	او آکا - ت
ما میکنیم	e:ma	akeyn	ماه اکین
شما میکنید	e:wa	akan	راه اکن
آنها میکنند	awän	akan	اوان اکن

(خستن xesten) یعنی انداختن .

من می اندازم	یعنی	men	axam	من اَخم
تو می اندازی	tö	axey - t	تو اخی - ت	
او می اندازد	aw	axä	او اَخا	
ما می اندازیم	e:ma	axeyn	ماه اَخین	
شما می اندازید	e:wa	axan	راه اَخن	
آنها می اندازند	awän	axan	اوان اَخن	

(بردن berden) یعنی بردن

من میبرم	یعنی :	men	awam	من اَوم
تو میبری	tö	awey - t	تو اوی - ت	
او میبرد	aw	awa - t	او اوات	
ما میبریم	e:ma	aweyn	ماه اَوین	
شما میبرید	e:wa	awan	راه اَون	
آنها میبرند	awän	awan	اوان اَون	

(روین rwin) یعنی رفتن

من میروم	یعنی:	men	arrom	من اُرُم
تو میروی		tö	arrwi	تو اُرُوی
او می رود		aw	arrwe:	او اُرُوه
ما میرویم		e:ma	arrwin	ما اُرُوین
شما میروید		e:wa	arron	شما اُرُون
آنها میروند		awän	arron	آنها اُرُون

هنوز ده نشینان اطراف سندنچ دو صیغهٔ دوم و سوم جمع این فعل را با (ارن arren) که درست ترست ادا میکنند که البته مورد تمسخر قرار میگیرند.

تغییرات در ریشه فعل گاهی در یک وزمانی دو واکه و گهگاه چنان است که تمام حروف یک فعل تغییر می یابد. مانند:

الف - (خوندن، خونن xwanden) یعنی خواندن که (فتحه a) بعد از (w) تبدیل به (کسره کشیده e:) میشود.

من میخوانم	یعنی:	men	axwe:nem	من اُخونم
تو میخوانی		tö	axwe:ni	تو اُخونی

همچنین است (فتحه a) بعد از (s) که بدل به (کسره کشیده پی) میشود در فعل (سندن sanden) یعنی خریدن.

او میخرد	یعنی:	aw	ase:ne:	او اُسنِه
ما میخریم		e:ma	ase:nin	ما اُسنین

ب - (ت +) در فعل (فرتن تبدیل به "ش" s) میشود.

من میفروشم		men	afrosem	من اُفرشم
------------	--	-----	---------	-----------

توآفرشی tō afroši تو میفروشی
 پ - (کسره e) بعد از (ش s̄) در فعل (وُشانن wašānen) یعنی کشتن و

زدن یا حذف میشود یا بدل به (کسره کشیده e:) میگردد .

من اوُشتم men awāšnem یعنی : من میگارم

" men awāše:nem "

ت - در (هِناردن hanarden) یعنی فرستادن دو تغییر در ریشه به وجود

می آید . یکی (ه h) یا حرف اول حذف میشود دوم (ا a) مبدل به (کسره

کشیده e:) میشود .

ما مه اُنرین e:ma ane:rin یعنی : ما میفرستیم

شما مه اُنرین e:wa ane:ren شما میفرستید

ج - حرف (ب b) در فعل (بستن basten) یعنی بستن تبدیل به (و

w) میشود و واکه (ت t) از میان میرود . همچنین است در فعل (بردن berden)

یعنی بردن که شرح آن گذشته است .

او اوُسه aw awase: یعنی : او می بندد

او ان اوُسن awān awasen آنها می بندند

چ - اما در افعالی مانند (وتن weten) یعنی گفتن و (هشتن he:šten)

یعنی بجای گذاشتن ، اصولاً شکل فعل تغییر میکند .

من ایژم men ayžem یعنی : من میگویم

تو ایژی tō ayži تو میگوئی

او ایژه aw ayže: او میگوید

میگذاریم	e:ma	ay in	رَمَا یَلین
شما میگذارید	e:wa	ay en	رَاوَه اَیلین
آنها میگذارند	awän	ay en	اَوَان اَیلین

تازه (اُ a) آغاز و علامت زمان فعل در این فعل ویژه ، به (تِه :e+) بدل میشود و میگویند (تِلَم te:|em) یعنی میگذارم یا (تِلَن te:|en) یعنی میگذارند .

مضارع التزامی .

مضارع التزامی دلالت دارد بر انجام کاری در حال یا آئینده تحت شرایطی .
مضارع التزامی در زبان کردی سنندجی مانند مضارع اخباری است با این تفاوت که بجای پیشوند (اُ a) (ب مکسور be) گذاشته میشود . مانند (کَنین kanin) یعنی خندیدن .

من بخندم	men	·bekanem	مَن بَکُم
تو بخندی	tö	bekani	تَو بَکَنی
او بخندد	aw	bekane:-t	اَو بَکَنه (ت)
ما بخندیم	e:ma	bekanin	رَمَاه بَکَنین
شما بخندید	e:wa	bekanen	رَاوَه بَکَنین
آنها بخندند	awän	bekanen	اَوَان بَکَنین

— کلیه تغییراتی که هنگام صرف افعال بی قاعده در زمان مضارع اخباری به وجود می آید در اینجا نیز پیدا میشود . ضمناً " فعلهائی هستند که تغییرات آن ها مطابق مضارع اخباری نیست . مانند (بون bun) یعنی بودن .

من باشم	men	bwem	بوم	من
تو باشی	tö	bwi	بوی (ت)	تو
او باشد	aw	bwe:	بوه (ت)	او
ما باشیم	e:ma	bwin	بوین	ما
شما باشید	e:wa	bwen	بون	شما
آنها باشند	awän	bwen	بون	آنها

امر.

فعل امر دلالت دارد بر دستور انجام کاری. علامت امر در زبان کردی سنندجی (be) در حالت مثبت و (ma) در حالت منفی است. مانند: (بخوه bexwa) یعنی بخور (مخوه maxwa) یعنی نخور. گاهی دستور بدون اضافه کردن پیشوندهای نامبرده صادر میگردد. مانند: (دانشه däniša) یعنی بنشین از فعل (دانیستن däništen) یعنی نشستن و (هلسه ha|sa) یعنی برخیز از فعل (هلسان ha|sän).

ضمیر

ضمیر کلمه ایست که جای اسم را میگیرد.

ضمایر یا متصل هستند یا منفصل، یا فاعلی هستند یا مفعولی. از ضمایر یکی نیز ضمیر اشاره است. ضمیر منفصل که فاعلی و مفعولی نیز میباشند عبارتند از:

من	men	یعنی: من
تو	tö	تو

او	aw	اَو
ما	e:ma	رَامَه
شما	e:wa	رَاوَه
آنها	awän	اَوَان

ضمایر فوق قبیل از اجرای صیغه فعل بطور جداگانه گفته میشوند .

ضمیرهای متصل که ممکن است فاعلی یا مفعولی باشند متغیرو به قرار زیر هستند .

m	۴
+ - i	ت - ی
i	ی - ا
män - nin - in	مان - نین - ین
tän - nen - n	تان - نن - ن
yän - nen - n	یان - نن - ن

ضمایر فوق بعد از اجرای فعل به طور متصل با آن می آیند .

ضمیرهای :

em	ام
et	ات
ey	رای
amän	آمان
atän	آتان
ayän	آیان

ضمایری هستند که با افعال متعدی بکار میروند و گرچه برابر توضیحاتی که قبلاً " داده شد ضمایر مفعولی میباشند اما متغیر بوده و به تبع جمله و موضوع فرق میکنند . ضمیر اشاره در زبان کردی سندی (am : أم) برای اشاره به نزدیک و (awa : أو) برای اشاره به دور بکار برده میشود . (ama : أمه) و (awa : أوه) حالت تصغیر این دو ضمیر است که هر دو مفرد میباشند . (amān : أمان) جهت اشاره به جمع نزدیک و (awān : أوان) جهت اشاره به جمع دور گفته میشود . (amāna : أمانه) و (awāna : أوانه) نیز بهمان منظور تصغیر بکار برده میشود .

قید

قید کلمه ایست که حالت فعل را بیان کند . قید بر چند قسم است .
قید زمان - مانند همیشه (hamîsa : همیشه) یعنی همیشه (de:n : در)
یعنی دیره (zu : زو) یعنی زود .
قید مکان - مانند (e:gra : زاگره) یعنی اینجا (ey.na : اینه) یعنی آنجا .
قید جهت - قید جهت خود دو نوع است :
(ha:l : هل) جهت رو به بالا . مانند (helta:li:šanen : هلتلیشانین)
یعنی پاره کردن و جر دادن رو به بالا .
(da:ä : دا) جهت رو به پایین . مانند (dāt:li:šanen : داتلیشانین) پاره کردن و جر دادن رو به پایین .
قید مقدار - مانند (kam:kam : کام کام) یعنی کم و (fra:frä : فره فره) یعنی زیاد .

قید تشبیه - مانند: (وک wak) یعنی مانند.

قید تردید - مانند: (شاید šayad) یعنی شاید.

قید اکید - مانند: (الْبَتَّةُ al-bata) یعنی البته.

قید ترتیب - مانند: (دَسَه دَسَه basa dasa) یعنی دسته دسته.

قید نفی - مانند: (هَرگِز harğiz) یعنی هرگز.